یادداشت دانشجویی

صادرات انقلاب به داخل!

*محمد زندی (فعال دانشجویی)

آیا تا به حال به این اندیشیده‌اید که لازمه تدوام هر انقلاب چیست؟ آیا ضمانتی قوی‌تر از پایبندی به آرمان‌های اولیه شکل‌گیری جنبش، برای بقای انقلاب وجود دارد؟ آیا اهداف انقلاب تنها در ظرف زمانی و مکانی وقوع آن، قابل پیگیری است؟ آیا انقلاب، سهم الارث السابقون آن است ولاغیر؟!

شاید پرسش‌های فوق در قالب استفهامات انکاری بگنجند و پاسخ‌شان از پیش معلوم باشد اما برای فهم بهتر موضوع باید آن را تشریح نمود.

انقلاب اسلامی ایران در حالی وارد پنجمین دهه از حیات خود می‌شود که فراز و فرودهای بسیاری را از بهمن ۵۷ تاکنون تجربه کرده و به اصطلاح آبدیده شده است. اما به راستی با گذشت قریب به چهل سال از استقرار انقلاب، چه تصویری از ایران به دنیا مخابره شده است؟ آیا اهداف اولیه شکل‌گیری انقلاب همچون «استقلال»، «عدالت»، «آزادی بیان»، «استکبارستیزی»، «پیشرفت و آبادانی»، «رفاه و بهبود معیشت» به طور کامل تحقق یافته‌اند؟ ناگفته پیداست که نمی‌توان به شکل قطعی در این خصوص اظهارنظر کرد چراکه به طور نسبی، شاید کسب توفیق در پارامترهایی بیش از حد انتظار بوده و در شاخص‌هایی، توقعات برآورد نشده باشد. با این وجود تحلیل انقلاب اسلامی به مثابه یک کُل واحد، نشان از صدور آن به فرا مرزها داشته و این حقیقتی غیرقابل انکار است؛ چنانکه اگر انقلابمان نقصانی ماهوی می‌داشت یا بازگشت به عقب محسوب می‌شد، هیچگاه محل رجوع ملل مسلمان و اُسوه آزادیخواهان جهان، نمی‌بود.

در این اُسوگی اما بیم و امیدهایی مُستتر است. امیدواری به اینکه الگو بودن انقلاب، نشان از اقتدار روزافزون ایران اسلامی دارد و ترس از اینکه مبادا رضایت به وضع موجود و فاصله گرفتن از آرمان‌ها، پیشقراولی انقلاب را با چالش مواجه کند!

در این بین آنچه شاید بتواند محک قابل اطمینانی در غلبه بیم‌ها یا امیدها بر دیگری باشد، رصد شرایط حال حاضر کشور است. در بُعد حاکمیتی و در عرصه خارجی، اگرچه پیروزی‌های جبهه مقاومت در عراق و سوریه و لبنان و یمن امید را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد اما در بُعد حکومتی و در عرصه داخلی، روزی نیست که اخبار ناگواری در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به گوش نرسد!

از «افتضاح حضور جاسوس در تیم هسته‌ای» و «اتهامات اقتصادی اخوان نفرات اول و دوم دولت» گرفته تا «تجمعات گاه و بیگاه سرپرده‌گذاران موسسات مجوزدار بانکی» و «اعتراضات و اعتصابات کارگران و معلمان»، همگی نشان از ناتوانی قوه اجرایی کشور در حل معضلات داخلی دارد؛ بماند که همزمان با برخاستن بوی الرحمن «برجام»، اندک امید اعتدالیون به آتیه نیز رنگ باخته است!

تعبیری که «جلال رفیع» در همین رابطه بکار می‌برد، جالب است: «مهم‌تر از تبلیغ در خارج و مهم‌تر از صدور انقلاب به خارج، تحکیم و تعمیق و تداوم انقلاب در داخل است. اگر در تمام دنیا تبلیغ کنیم و موفق شویم، اما اوضاع داخلی آشفته باشد، خدای ناکرده آن زحمات بر باد می‌رود. برای اینکه همه چشم به داخل کشور ما خواهند دوخت. هر کدام از ما می‌پرسند که آن جامعه موعود و الگو و قابل صدور و کُپی برداری کجاست؟» [«در بهشت شداد» - صفحه ۴۳۵]

نقل قول فوق اگرچه بخشی از حقیقت را در خود دارد، اما تمام حقیقت نیست زیرا همان‌طور که از نظر گذشت، اگرچه عملکرد سوء مسئولین می‌تواند وجهه بین‌الملل انقلاب را خدشه دار کند اما از آن جهت که بُن مایه و ذات انقلاب اسلامی عاری از هرگونه نقص و خطاست، نمی‌توان خطای کارگزاران آن را به پای اصل انقلاب نوشت؛ همانگونه که نمی‌توان عیوب مسلمین را به حساب اسلام عزیز گذاشت.

اینجاست که مجدداً می‌باید از خود بیمناک بود چراکه ظرف انقلاب اسلامی به وسعت قلوب دوستدارانش است و پویایی آن سبب می‌شود که در صورت کاهلی اسلافش، محبین غیرایرانی انقلاب از مدعیان ایرانی آن سبقت بگیرند!

شهید استاد «مرتضی مطهری» به زیبایی در این خصوص سخن می‌گوید: «همه مسلک‌های بزرگ جهان، آن اندازه که در سرزمین‌های دیگر مورد استقبال قرار گرفته اند، در سرزمین اصلی که از آنجا ظهور کردند، مورد استقبال نبوده‌اند. مثلاً حضرت مسیح(ع) در فلسطین (منطقه‌ای از مشرق زمین) به دنیا آمد و اکنون در مغرب بیش از مشرق زمین، مسیحی وجود دارد. بودا نیز در هند متولد شد، اما میلیون‌ها نفر مردم چین و سرزمین‌های دیگر به آیین وی گرویدند. زرتشت اگرچه آیینش توسعه پیدا نکرد و از حدود ایران خارج نشد ولی با این همه، مذهب زرتشتی در بلخ بیشتر رواج یافت تا آذربایجان که می‌گویند مهد زرتشت بوده است. حجاز نیز اگرچه مهد پیغمبر اسلام(ص) بود اما این ایرانیان بودند که بیش از اعراب در بسط و گسترش و اعتلای اسلام کوشش کردند. اگر از بحث مذاهب خارج شویم، کارل مارکس و فردریک انگلس دو نفر آلمانی بودند که پایه کمونیسم امروزی را ریختند اما این مردم شوروی و چین بودند که پیش و بیش از سایرین آن را پذیرفتند و رواج دادند.» [«خدمات متقابل اسلام و ایران» - صفحه ۶۵]

غم‌انگیز است که اعتراف کنیم، چه بسیار شاگردانی که از اساتید پیشی گرفتند و انقلاب را بهتر فهمیدند و در اعتلای آن، بیش از السابقونش کوشیدند. «سیدحسن نصرالله»ها در لبنان، «عبدالملک الحوثی»ها در یمن، «شیخ ابراهیم زکزاکی»ها در نیجریه و... از جمله انقلابیونی هستند که اگرچه ملیت ایرانی را یدک نمی‌کشند اما عیار انقلابیگری‌شان به حدی از برخی مدعیان ایرانی خط امام(ره) و انقلاب، بیشتر است که گویی به قیاس طلا و مس نشسته‌ایم!

چگونه می‌شود که در مهد انقلاب اسلامی، «سند رسوایی ۲۰۳۰ امضا شود»؛ «شیطان بزرگ، کدخدا و رئیس‌دولتش مودب پنداشته شود»؛ «کارگری که به فرموده امیرالمومنین(ع) باید پیش از خشک شدن عرق جبین دستمزد بگیرد، ماه‌ها حقوقش به تعویق بیفتد»؛ «جنگ با خدا به احسن وجه در بانک‌ها رخ دهد»؛ «انگ دولت با تفنگ به حافظان انقلاب زده شود»؛ «ثروت قارونی برخی مسئولان غیرقابل شمارش گردد» و نهایتاً مرتکبین افتضاحات فوق، با وقاحت تمام داعیه‌دار پرچمداری از انقلاب باشند؟!

خدا آن روز را نیاورد که دسته گل‌های به آب داده حضرات، بخواهند معرّف انقلاب و انقلابیگری باشند، اگرچه جای شکرش باقیست که خود نیز به غیرانقلابی بودنشان اقرار دارند و افاضه داشته‌اند: «دوران انقلاب و احساسات گذشته است!» وگرنه حساب انقلاب با کرام الکاتبین می‌بود!

در پایان وقت آن رسیده که به تیتر ابتدایی این وجیزه بازگردیم: «صادرات انقلاب به داخل!». عنوانی که اگرچه مفهومی پارادوکس دارد اما حقیقتاً تنها چاره معضلات امروز ماست. تجربه نشان داده هرگاه فاصله از اصول انقلاب بیشتر شد، به تبع آن مشکلات نیز لاینحل گشت و هر زمان از این فاصله کاسته شد، توفیقات عظیمی حاصل گردید. فلذا خوشبینان به باختر باید به این بیت از حضرت حافظ تفأل بزنند که فرمود:

هرچند کآزمودم از وی نبود سودم
مَن جرّب المُجرّب حَلّت بِه النّدامه

پشت پرده آزمون شرکت‌های دانش‌بنیان

اکنون و در شرایطی که فعالیت مؤسسه فوق‌الذکر با همه ابهام‌هایی که به آن وارد بود، غیرقانونی اعلام شد، جا دارد تا نهادهای دولتی که زمینه‌ساز و حامی برپایی آزمون استخدامی شرکت‌های خصوصی و دانش‌بنیان بودند در این خصوص پاسخگو باشند!

تابستان امسال، شرکت «م.گ.ش»، با ایجاد یک سایت رسمی و تبلیغات فراوانی که در محیط‌های رسانه‌ای و مجازی انجام داد، از برگزاری نخستین آزمون استخدامی شرکت‌های خصوصی خبر داد و با تأکید بر قانونی بودن اقدام خود، شروع به ثبت‌نام از کارجویان سراسر کشور کرد؛ اقدامی که برای مدیران این شرکت سود میلیاردی رقم زد.

فرایند کاری این شرکت این گونه بود که ابتدا در یک مطالعه میدانی، بیش از دویست شغل پر مخاطب کشور را عموماً در حوزه‌های فنی، مهندسی و خدماتی شناسایی کرد و سپس با جلب حمایت‌های برخی نهادهای دولتی، اقدام به انتشار آگهی‌های تبلیغاتی خود برای برگزاری نخستین آزمون استخدامی شرکت‌های خصوصی و دانش بنیان کرد و موفق شد از نزدیک به ۳۴ هزار کارجو در آزمون خود ثبت‌نام بگیرد.

شرکت مذکور در توجیه آزمون استخدامی خود که قرار است در ۲۲۶ رشته شغلی از مهندسی برق و مکانیک گرفته تا گچکاری و رفتگری برگزار شود، ایجاد یک حلقه اتصال میان کارجویان و شرکت‌های خصوصی را رسالت اصلی خود عنوان کرد و به دلیل تبلیغات گسترده‌ای که در صدا و سیما داشت، خیلی زود با استقبال کارجویان روبه‌رو شد.

بر اساس آنچه در پایگاه اینترنتی این شرکت خصوصی آمده است، در طول بازه زمانی ثبت‌نام از کارجویان، چیزی حدود ۳۴ هزار کارجو برای شرکت در آزمون استخدامی شرکت مذکور ثبت‌نام کردند و هر کدام از آنها از ۵۷ هزار تومان تا ۹۴ هزار تومان حق ثبت‌نام پرداخت کردند؛ مبالغی که با یک حساب و کتاب سرانگشتی و در یک بازه زمانی کوتاه، بیش از ۲ میلیارد تومان برای شرکت مذکور عایدی داشت.

به گزارش تارنمای تابناک، پس از انتشار ابهام‌هایی که در مورد فرایند برگزاری این آزمون وجود دارد، وزارت کار در قالب اطلاعیه‌ای رسمی، فعالیت این مؤسسه درخصوص فراخوان برای ثبت‌نام کارجویان و برگزاری آزمون استخدام جهت معرفی بیکاران به شرکت‌های خصوصی را به دلیل عدم اخذ مجوز غیر قانونی اعلام کرد.

در این اطلاعیه، اداره کل هدایت نیروی کار و کاریابی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نوشت: به استناد قانون مجازات‌اشتغال به حرفه کاریابی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه کار مصوب ۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی و ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون مذکور مصوب ۱۳۸۷ هیئت وزیران " کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که مبادرت به انجام فعالیت کاریابی می‌کنند، لازم است از وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی مجوز کاریابی دریافت کنند؛ بنابراین، اقدام مؤسسه دانش بنیان «م.گ.ش» مبنی بر فراخوان برای ثبت‌نام کارجویان و برگزاری آزمون استخدام جهت معرفی بیکاران به شرکت‌های خصوصی به دلیل عدم اخذ مجوز، غیرقانونی است.

اکنون و در شرایطی که فعالیت مؤسسه فوق‌الذکر با همه ابهام‌هایی که به آن وارد بود، غیرقانونی اعلام شد، فرصت طرح چند سؤال و ابهام جدی وجود دارد که باید متولیان کار و سایر نهادهای مسئول کشوری به آنها پاسخ دهند.

وزارت کار در درجه نخست متولی کار و تأمین اشتغال جوانان است و از این حیث وظیفه دارد هر حرکتی که در این فضا رخ می‌دهد را رصد، حمایت، ساماندهی و در صورت نیاز متوقف کند؛ وزارتخانه‌ای که در مورد فعالیت این آزمون استخدامی خیلی دیر وارد عمل شد و تا پیش از این اطلاعیه، وجود نامش به عنوان حامی طرح بسیاری، کارجویان را مجاب کرد تا در این آزمون نام‌نویسی کنند.

اکنون که وزارت کار فعالیت این شرکت خصوصی را غیرقانونی اعلام کرده است، همچنین نیاز است تا این وزارتخانه در مورد چرایی و چگونگی حمایت خود از این شرکت خصوصی به افکار عمومی توضیح بدهد و در صورت نبود چنین موضوعی آن را نیز تکذیب کند؛ نکته مهمی که در اطلاعیه صادره دیده نمی‌شود.

جدا از این‌ها وزارت کار باید موضوع پیش آمده را به صورت جدی از طریق مراجع قضایی مورد پیگرد قرار بدهد تا از این طریق مدیران شرکت مذکور که در طی فعالیت خود از نام و عنوان وزارت کار و بسیاری از نهادهای دولتی دیگر در جهت افزایش اعتماد عمومی استفاده کردند و جمع زیادی از ثبت‌نام کنندگان - که تعداد بسیاری از ایشان از قشر جوان و دانشجو هستند - در این آزمون استخدامی با امید به حضور و نظارت این مجموعه‌ها، در این آزمون استخدامی ثبت‌نام کردند را وادار به پاسخگویی و شفاف سازی کند.

اقدام وزارت کار برای پیگرد قضایی البته یک حسن بزرگ نیز دارد و آن اینکه راه را برای پیگیری ثبت‌نام کنندگان در این طرح و احتمالا بازپس گیری مبالغ پرداخت شده باز خواهد کرد.

جدا از وزارت کار، آن‌چنانکه در دوران تبلیغات رسانه‌ای و محیطی فراخوان ثبت‌نام این آزمون استخدامی دیده شد، صدا و سیما و شبکه‌های تلویزیونی نیز تمام قد از شرکت خصوصی مذکور حمایت کردند و با پخش آگهی‌های مختلف به افزایش اعتماد عمومی و آمار ثبت‌نام‌کنندگان در این طرح کمک کرد.

متولیان صدا و سیما اگر در این مسیر نادانسته در دام شرکت مذکور افتادند، باید پاسخگوی افکار عمومی و ثبت‌نام‌کنندگان در طرح باشند و اگر بر اساس مستندات و مجوزهای مستندی دست به چنین اقدامی زدند، نیاز است که مستندات و ادله خود را در حمایت این شرکت منتشر کنند؛ شرکتی که اکنون وزارت کار در اطلاعیه‌ای رسمی، فعالیت آن را غیرقانونی اعلام می‌کند.

معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، مرکز همکاری‌های فن آوری و نوآوری ریاست جمهوری، ستاد توسعه فناوری‌های نرم و هویت ساز، ستاد توسعه فرهنگ علم، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی نیز از جمله نهادهایی هستند که نام آنها به عنوان حامی آزمون استخدامی شرکت‌های خصوصی و دانش بنیان ذکر شده است و این نهادها نیز لازم است؛ هرچه زودتر در این رابطه موضع خود را اعلام و به شفاف سازی افکار عمومی کمک کنند.

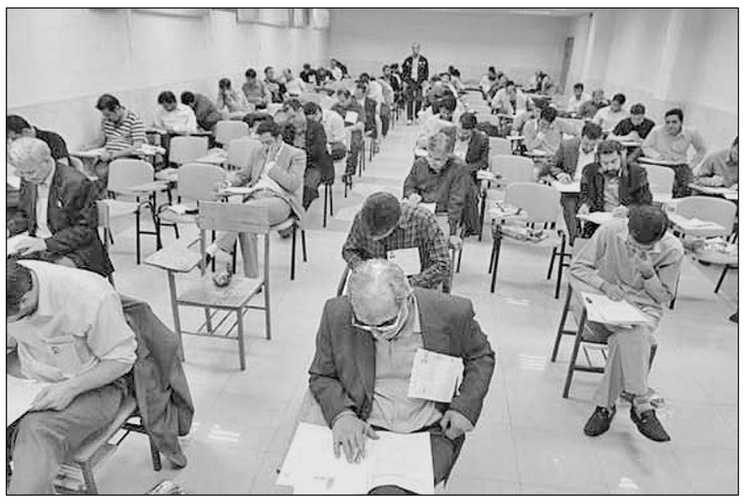

چگونگی دریافت وام و مجوز خروج از کشور دانشجویان متقاضی سفر اربعین

چگونگی دریافت وام و مجوز خروج از کشور دانشجویان متقاضی سفر اربعین از سوی معاون اجرایی و اعزام ستاد عمره و عتبات دانشگاهیان اعلام شد.

به گزارش تارنمای لبیک، محمد زارع معاون اجرایی و اعزام ستاد عمره و عتبات دانشگاهیان گفت: بر اساس تفاهم‌نامه‌ای که ما بین ستاد عمره و عتبات دانشگاهیان و سازمان وظیفه عمومی ناجا منعقد شده، مقرر شد مجوز خروج از کشور دانشجویان اربعین با ضمانت ستاد، توسط سازمان وظیفه عمومی صادر گردد.

زارع تصریح کرد: بر همین اساس، تفاهم نامه‌ای نیز بین ستاد و سازمان بسیج دانشجویی کشور که مسئول دبیرخانه ستاد ملی اربعین دانشگاهیان می‌باشند منعقد شده و به منظور کاهش هزینه، تصمیم گرفته شد مراجعه به محضر و ثبت تعهدنامه محضری در دفتر اسناد رسمی از مدارک حذف شود.

وی افزود: دانشجویان باید با مراجعه به سامانه ستاد ملی اربعین دانشگاهیان به آدرس www.sagha-noor.ir و پس از ثبت درخواست خروج از کشور و معرفی ضامنشان ثبت نام خود را انجام دهند. از طریق سیستم فرمی در اختیار دانشجویان قرار می‌گیرد که آن را باید تحویل دفاتر بسیج دانشجویی در دانشگاه خود کنند. ستاد نیز پس از دریافت اطلاعات دانشجویان نسبت به ارسال اطلاعات به سازمان وظیفه عمومی اقدام خواهد کرد.

زارع گفت: پس از ثبت اطلاعات در سامانه ناجا، اطلاعات دانشجویان به دانشگاه محل تحصیل دانشجو ارسال و پس از تایید دانشگاه، اطلاعات مجددا به سازمان وظیفه عمومی ارسال و سازمان اقدام به صدور مجوز خروج از کشور می‌نماید.

معاون اجرایی و اعزام ستاد عمره و عتبات دانشگاهیان تاکید کرد: امکان صدور مجوز برای دانشجویانی که مشکل اتمام سنوات تحصیلی، فارغ‌التحصیلی و موارد این چنینی داشته باشند، وجود نخواهد داشت و می‌بایست با مراجعه به سازمان وظیفه عمومی و سپردن ضمانت‌های لازم مجوز خروجشان را دریافت نمایند.

گفتنی است؛ مذاکرات لازم جهت اعطای وام اربعین با صندوق رفاه دانشجویان انجام شده است و پس از نهایی شدن و انعقاد تفاهم‌نامه از طریق سایت لبیک به اطلاع زائرین گرامی خواهد رسید.

جوابیه وزارت نفت و پاسخ کیهان

روزنامه کیهان روز چهارشنبه ۱۲ مهرماه گزارشی با عنوان «با حکم دیوان عدالت به نفع دانشجویان، توپ در زمین وزارت نفت افتاد» در خصوص جذب دانشجویان دانشگاه صنعت نفت منتشر کرد. این در حالی است که چند ماه است وزارت نفت و اداره کل آموزش و برنامه‌ریزی نیروی انسانی این وزارتخانه تلاش کرده است با ارائه اطلاعات دقیق و روشنگرانه، ابهام‌های ساخته شده در این زمینه را برطرف نماید.

ابتدا لازم است تاکید کنیم وزارت نفت به عنوان مجری قوانین مصوب کشور هیچگاه از چارچوب قوانین، مقررات و احکام قطعی ابلاغی مراجع ذیصلاح تخطی نکرده است. در مورد موضوع جذب فارغ‌التحصیلان گروه الف دانشگاه صنعت نفت چند نکته مهم و تعیین‌کننده وجود دارد که لازم است به طور دقیق به آن پرداخته شود. واجب است هر یک از بزرگوارانی که در این زمینه دغدغه‌مند هستند در وهله اول به طور دقیق دفترچه کنکور و بخش مربوط به دانشگاه صنعت نفت را مطالعه کنند زیرا در این دفترچه به هیچ عنوان بحث «الزام و قطعیت» استخدام فارغ‌التحصیلان دانشگاه نفت عنوان نشده است و صرفا به موضوع «اولویت» آنها برای جذب در صنعت نفت کشور تاکید شده است.

نکته دیگری که در تعهدنامه بین دانشگاه صنعت نفت و دانشجویان باید به آن توجه شود بحث ارائه «کمک‌هزینه تحصیلی» دانشگاه به دانشجویان است و در این تعهدنامه به هیچ عنوان به «بورسیه» بودن دانشجویان اشاره‌ای نشده و به طور دقیق بیان شده است که در جریان استخدام، بر اساس مقررات، تمامی فارغ‌التحصیلان دانشگاه نفت که جزو گروه الف هستند از آزمون کتبی معاف می‌شوند ولی باید سایر مراحل استخدامی را بر اساس مقررات و روال جاری طی نمایند.

با وجود این مقررات اما، وزیر نفت به منظور تسهیل شرایط جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعت نفت، شخصا پیگیر حل مسائل مربوط به این عزیزان بوده و دستور مساعدت لازم در این زمینه صادر شده است و هم‌اکنون در جریان پذیرش این دسته از دانش‌آموختگان هیچ مشکلی وجود ندارد.

هم‌اکنون تمامی دانشجویان گروه الف که اعلام آمادگی کرده و مشخصات آنها در بانک اطلاعات اداره کل آموزش و برنامه‌ریزی نیروی انسانی وزارت نفت ثبت شده است، جهت انجام مصاحبه دعوت شده‌اند. بر این اساس تاکنون ۹۰۰ نفر از فارغ‌التحصیلان گروه الف دانشگاه صنعت نفت درخواست خود را به اداره کل آموزش و برنامه‌ریزی نیروی انسانی ارسال کرده‌اند که بخشی از آنها به مصاحبه دعوت شده‌اند و مابقی افراد نیز تا ۱۵ مهرماه برای انجام مصاحبه دعوت خواهند شد. بدیهی است از این میان، تمامی واجدین شرایط که حائز استانداردهای مشخص نیروی انسانی صنعت نفت شده باشند، استخدام خواهند شد.

در زمینه انشاء حکم دیوان عدالت اداری نیز لازم است به این نکته توجه شود که این حکم مربوط به یکی از دانشجویان بوده و چنانچه این حکم قطعی شده و از سوی امور حقوقی شرکت ملی نفت برای اجرا ابلاغ شود، اداره کل آموزش و برنامه‌ریزی نیروی انسانی وزارت نفت، حسب روال قانون‌مدارانه خود در این زمینه به وظیفه خود عمل خواهد کرد.

*** درباره جوابیه روابط عمومی وزارت نفت به مطلب «توپ در زمین وزارت نفت افتاد!» نکاتی وجود دارد که بدان اشاره می‌شود:**

۱- جوابیه فوق‌الذکر به نحوی از خود و وزارتخانه متبوعش رفع اتهام می‌کند که گویی تجمعات چندین ساله دانشجویان دانشگاه صنعت نفت در اعتراض به ارگان و وزارتخانه‌ای دیگر انجام شده است!

در همین رابطه تجمعات اعتراضی اخیر دانشجویان و بورسیه‌شدگان در برابر ساختمان وزارتخانه و حتی نهاد ریاست جمهوری خود نشان از عدم حل کامل دغدغه‌های دانشجویان مذکور دارد.

۲- برخلاف آنچه در جوابیه آمده، از بدیهیات امتیاز بورسیه‌شدگان در هر ارگان و سازمانی، اعطای تسهیلات در جهت استخدام و بکارگیری نیروهای بورسیه شده است، فلذا فارغ از توجیهات به میان آمده در جوابیه، هیچ عذری در خصوص عدم جذب بورسیه‌شدگان قابل قبول نیست، کما اینکه در حکم قطعی دیوان عدالت اداری در خصوص دانشجویان بورسیه نیز صراحتا بر این موضوع اشاره شده است.

۳- انتظار می‌رفت که جوابیه مذکور که تا به این حد درباره عمل به مرّ قانون اصرار دارد، در خصوص استخدام‌ها و جذب خارج از چهارچوب جمعی از نمایندگان پیشین مجلس در وزارت نفت نیز توضیحاتی را ارائه می‌نمود تا مشخص شود که چگونه افرادی بدون طی تشریفات استخدامی و بدون داشتن تخصص مرتبط می‌توانند در وزارتخانه مشغول به‌کار شوند، در حالی که دانشجویان بورسیه وزارت نفت برای احقاق حقوق بدیهی‌شان با مشکلات متعدد مواجه هستند؟!

در پایان امید آن می‌رود که به دور از شائبه‌های سیاسی و کارشکنی، معضلات عدیده دانشجویان نخبه صنعت نفت برطرف شود.

قاب دانشگاه

تصاویری از مراسم آغاز سال تحصیلی در دانشگاه تهران با حضور رئیس دولت دوازدهم - مهرماه ۱۳۹۶

«بیکاری» ، سدی در برابر ادامه تحصیل و نخبگی!

ثبت‌نام برای بیست و ششمین جشنواره انتخاب دانشجوی نمونه کشور از چند روز پیش آغاز شد و تا ۳۰ مهرماه ادامه دارد. کلیه دانشجویان متقاضی دانشگاه‌های دولتی، غیر انتفاعی و پژوهشگاه‌های تابعه دو وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و همچنین دانشگاه‌های پیام نور و فرهنگیان می‌توانند با مراجعه به تارنمای nemooneh.saorg.ir نسبت به ثبت‌نام در این جشنواره اقدام کنند.

پیشتر و در سال ۱۳۹۴ اعلام شد که جوایز این دانشجویان نیز ارتقا داده شده است و برای دانشجویان نمونه جوایز نقدی، امکان ادامه تحصیل بدون آزمون در مقاطع بالاتر، امکان فرصت مطالعاتی به دانشجویان دکتری در خارج از کشور پیش‌بینی شده که تمام هزینه‌های فرصت مطالعاتی آن نیز تامین خواهد شد. این دانشجویان همچنین به بنیاد ملی نخبگان معرفی خواهند شد.

اما در ادامه این فرایند به مشکلات پیشروی نخبگان دانشجویی می‌پردازیم.

در درجه اول، امکانات و تسهیلات مالی برای نخبگان و جذب سریع در کارهای اجرایی مهم است. به نظر می‌رسد در کشور ما هدیه نقدی، حتی یک اتومبیل معمولی یا چند میلیون به صورت یکجا، ارزش بیشتری دارد؛ چراکه هر فردی در درجه اول امنیت شغلی برایش مهم است و تامین مال حداقلی نیز جزو اولین نیازهای او خواهد بود؛ در مرتبه بعد نیز تحصیل بدون دغدغه برای نخبگان فراهم می‌شود.

دانشجوی نخبه‌ای که از بین جمعیت کثیری انتخاب می‌شود حتی نسبت به آتیه شغلی خود هیچ‌گونه تضمین حداقلی ندارد؛ حال این دانشجو چرا نباید با دریافت پیشنهاد از هر کشور و با هر هزینه‌ای مهاجرت را انتخاب کند؟

در این بین یکی از جوایز مدنظر برای نخبگان، امکان ادامه تحصیل بدون آزمون در مقاطع ارشد و دکتری است. حال سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است مگر فارغ‌التحصیلان ارشد و دکتری تضمین شغل دارند؟ در همین برهه کنونی شاهد بیکاری چندین هزار فارغ‌التحصیل در مقاطع ارشد و دکتری هستیم. از طرف دیگر با رواج دانشگاه‌های متنوع پردیس، آزاد، علمی کاربردی و... شاهد ایجاد زمینه برای تحصیل مسئولانی شده‌ایم که ذره‌ای از تلاش و استعداد نخبگان را نداشته‌اند.

به گزارش خبرنامه دانشجویان؛ مکمل‌های بیکاری دانشجویان هم جالب است؛ تامین هزینه فرصت مطالعاتی در شرایطی که نه دانشجو را به ماندن ترغیب و نه آنها تاکنون توانسته‌اند دستاوردی کاربردی لااقل در زمینه علوم انسانی داشته باشند، امری معقول تلقی نمی‌شود.

البته در کنار عوامل فوق و ضعف در نگهداری نخبگان در مقاطع کوتاه مدت و با تسهیلات مالی، متاسفانه در زمینه فرهنگی و بلندمدت نیز ناموفق بوده‌ایم. بسیاری از دانشجویان و نخبگان صرفا بخاطر غربزدگی و تجربه محیط جدید مهاجرت می‌کنند.

از سوی دیگر ورود فرهنگ آقازاده‌گی و انتساب آقازاده‌گان به سمت‌های مختلف مدیریتی کشور نقش مهمی در دلسردی نخبگان از ماندن و خدمت به کشور خود دارد. تعبیر شایسته‌سالاری در تغییرات نیز کنار رفتن یک مسئول و ورود اقوام یا دوستان وی در آن مقام است.

در همین راستا می‌شود به نقاط ضعف بنیاد ملی نخبگان نیز اشاره کرد؛ مواردی از جمله تسهیلات و حمایت‌های مالی ضعیف در عین ارائه کارهای علمی و پژوهش‌های بزرگ و زمان‌بر، بروکراسی اداری خسته‌کننده برای دریافت این تسهیلات، چارچوب بسته و محدود برای جذب نخبگان کشور، تعهد عدم‌اشتغال در عین مقرری ناچیز ماهیانه، عدم استفاده از توان افراد تحت پوشش بنیاد، عدم داشتن برنامه مدون و منظم بعد از فارغ‌التحصیل شدن نخبگان، تسهیلات غیرقابل مقایسه کشورهای غربی نسبت به بنیاد.

در پایان گفتنی است، می‌توان در کنار مزیت‌های کوتاه مدت و تسهیلات برای نخبگان می‌توان در جهت نگهداری نخبگان و دانشجویان نخبه که سرمایه‌های اصلی کشور هستند، همت گماشت.

*** دانشجوی نخبه‌ای که از بین جمعیت کثیری انتخاب می‌شود حتی نسبت به آتیه شغلی خود هیچ‌گونه تضمین حداقلی ندارد؛ حال این دانشجو چرا نباید با دریافت پیشنهاد از هر کشور و با هر هزینه‌ای مهاجرت را انتخاب کند؟**

قابل توجه اساتید حوزه و دانشگاه
تشکل‌های دانشجویی، دانشجویان و طلاب محترم

«صفحه دانشگاه کیهان» از اخبار، بیانیه‌ها، مقالات، یادداشت‌ها و تحلیل‌های فرهنگی یا سیاسی مرتبط با مقولات دانشجویی استقبال می‌کند. علاقه‌مندان می‌توانند فایل حروفچینی شده مطالب مدنظر خود را به رایانامه Daneshgah@Kayhan.ir یا نمابر ۳۳۱۱۱۱۲۰-۰۲۱ ارسال نمایند. بدیهی است که روزنامه کیهان در ویرایش، تلخیص، انتشار یا عدم انتشار متون ارسالی، آزاد است.